

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۲۰

اثربرداری آثار فارسی احمد غزالی از کلام امام علی(ع)

سیدعلی اصغر میرباقری فرد^۱

سیده مریم روضاتیان^۲

عباسعلی ابراهیمی مهر^۳

چکیده:

معارف و تعالیم اهل بیت(ع) یکی از سرچشمه‌های اصیل عرفان اسلامی است و اثربرداری متون عرفانی از این آبخشور به خوبی مشهود است. فصاحت و بلاغت موجود در کلام و تعالیم امام علی(ع)، از دیرباز تاکنون، نویسندگان پارسی‌گوی را بر آن داشته تا آثار خود را به کلام آن حضرت آراسته کنند. احمد غزالی از نویسندگان برجسته مکتب عرفان است که در آثار خود به خصوص از کلام امام علی(ع) متأثر شده است. در این مطالعه به شیوه نقلی استنادی، گونه‌های مختلف اثربرداری آثار فارسی احمد غزالی از کلام امام علی(ع) تبیین شده است. اثربرداری آثار فارسی احمد غزالی از کلام امام بیشتر از نوع گزاره‌ای و به شیوه اقتباس است. از آن جا که آبخشورهای عرفان اسلامی و نیز نسبت عرفان و مکتب اهل بیت(ع) همواره مورد بحث بوده است، این تحقیق می‌تواند به عنوان نمونه، اثربرداری عرفان اسلامی را از تعالیم اهل بیت(ع) نشان دهد.

کلید واژه‌ها:

امام علی(ع)، ادبیات عرفانی، اثربرداری، احمد غزالی.

^۱ - استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان.

^۲ - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان.

^۳ - دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی (ادبیات عرفانی) دانشگاه اصفهان. نویسنده مسئول:

پیشگفتار

درباره سرچشمه و خاستگاه اصلی عرفان اسلامی، دیدگاه‌های مختلفی در تحقیقات معاصر مطرح شده است که پاره‌ای از آنها چندان مستند و استوار نیست و البته طرح و نقد آنها در این مقال نمی‌گنجد. بررسی و تحلیل روشمند آراء مختلف نشان می‌دهد عرفان اسلامی دارای منشأ اسلامی است و زبانی عرفانی در حقیقت گسترش زبان قرآنی و معارف اهل بیت(ع) است: «می‌توان گفت که عرفان اسلامی یک پدیده فرهنگی اسلامی است که ریشه در قرآن، اخبار، احادیث و سیره پیامبر و معصومین(ع) دارد و خاستگاه آن فرهنگ اسلامی است.» (دهباشی و میرباقری فرد، ۱۳۸۶: ۴۵)

بر این اساس ارکان فرهنگ اسلامی یعنی قرآن، احادیث، روایات و تعالیم معصومین(ع) عناصر اصلی عرفان اسلامی را تشکیل می‌دهد. نقش این منابع در شکل‌گیری مبانی عرفانی چندان عمیق و استوار است که بررسی و تحلیل مبانی عرفان اسلامی بدون تبیین این پیوند استوار ممکن نیست و پژوهشگر متون عرفانی چاره‌ای جز شناخت آموزه‌ها و آمیزه‌های دینی و روایی ندارد. هر یک از این منابع نقش و تأثیری خاص بر شکل‌گیری، ترویج و تکامل مبانی عرفان اسلامی داشته است. در تحقیقات عرفانی ضرورت دارد هم نقش این منابع در شکل‌گیری عرفان اسلامی با هم بررسی شود و هم تأثیری که هر یک از این منابع به طور مجزا در آثار و آراء عرفانی بر جای گذاشته‌اند تحلیل گردد.

یکی از منابع اصلی عرفان اسلامی، معارف و سیره معصومین(ع) است که در جای جای متون عرفانی تأثیر آن پیداست. شیوه‌های اثرگذاری معارف اهل بیت(ع) بر عرفان اسلامی متنوع، پیچیده و چند لایه است که برای تبیین آن ضرورت است که معارف و سیره هر یک از ائمه اطهار به طور مجزا در عرفان اسلامی بررسی شود.

از جمله معارف و کلام اهل بیت که به طور گسترده در آثار کهن و متأخر متجلی شده است، کلام امام علی(ع) است. گفتار امام(ع) به دلیل فصاحت و بلاغتی که داشته، از دیرباز مورد توجه ادیبان و سخنوران و زیننده کلام آنها بوده است. قاضی نورالله شوشتری به نقل از ابن ابی الحدید، شارح نهج البلاغه، کلام امام را فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق ذکر می‌کند و می‌نویسد مردم خطابت و کتابت را از کلام امام(ع) فرا می‌گرفتند: «قال العلامة الشهير بابن أبي الحديد في «شرح النهج»: و أما الفصاحة فهو عليه السلام إمام الفصحاء و سيد البلغاء و في كلامه قيل: دون كلام الخالق و فوق كلام المخلوقين و منه تعلم الناس الخطابه و الكتابه.» (شوشتری، ۱۴۰۹، ج ۸: ۱۶)

اثرپذیری آثار فارسی احمد غزالی از کلام امام علی(ع) / ۱۵

معاویه، دشمن سرسخت علی(ع) می‌گوید: «به خدا سوگند، سنت فصاحت در قریش فقط توسط علی بنیان گذاشته شد.» (امین عاملی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۳۶)

سیدرضی، گردآورنده سخنان امام علی(ع)، در انتخاب کلام امام این ویژگی فصاحت و بلاغت را در نظر داشته است و «آن قسمت‌ها بیشتر نظرش را جلب می‌کرده است که از جنبه بلاغت برجستگی خاص داشته است. او از این‌رو نام مجموعه منتخب خویش را «نهج البلاغه» نهاده است و به همین جهت نیز اهمیتی به ذکر مأخذ و مدارک نداده است، فقط در موارد معدودی به تناسب خاصی نام کتابی را می‌برد که آن خطبه یا نامه در آنجا آمده است.» (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۶: ۳۵۷)

نهج البلاغه امام(ع) خود نشانگر آن است که برای آن حضرت در فصاحت نظیر و در بلاغت هم‌وردی نیست و برای اثبات این مدعا همین بس که بسیاری از ادیبان طراز اول عرب فصاحت و بلاغت کلام امام را ستوده‌اند. «عبد الرحیم بن نباته ضرب‌المثل خطبای عرب است در دوره اسلامی، وی اعتراف می‌کند که سرمایه فکری و ذوقی خود را از علی(ع) گرفته است. وی به نقل ابن ابی الحدید در مقدمه شرح نهج البلاغه می‌گوید: (صد فصل از سخنان علی را حفظ کردم و به خاطر سپردم و همان‌ها برای من گنجی پایان‌ناپذیر بود.)» (همان، ج ۱۶: ۳۶۱) جاحظ، ادیب خطیب و سخن‌شناس معروف - که از نوایغ ادب است، در کتاب «اللبیان و التیین» مکرر ستایش و اعجاب فوق‌العاده خود را نسبت به سخنان علی(ع) اظهار می‌دارد. جاحظ با نقل یکی از سخنان امام(ع) اعتراف می‌کند که اگر فقط همین عبارت به دست ما رسیده بود، کفایت می‌کرد و برای دلالت داشتن بر فصاحت و بلاغت در عالی‌ترین مرتبه جای می‌گرفت: «قال علی رحمه الله: (قیمه کل امرئ ما یحسن). فلو لم نقف من هذا الكتاب إلا علی هذه الكلمة لوجدناها شافية كافية، و مجزئة مغنیة، بل لوجدناها فاضلة عن الكفاية، و غیر مقصرة عن الغایة.» (جاحظ، ۲۰۰۲، ج ۱: ۸۷)

نویسندگان پارسی‌گوی نیز در متون و آثار خویش از کلام امام علی(ع) بهره برده و سروده‌ها و نوشته‌های خود را به قصد استناد و استشهاد و نیز به قصد نشان دادن علم و فضل خویش، با گوهر نورانی کلام امام آذین بسته‌اند. یکی از برجسته‌ترین نویسندگان متون عرفانی ادب فارسی، احمد غزالی است. ابوالفتوح مجدالدین احمد غزالی، برادر کوچک‌تر ابوحامد غزالی است که در توس به همراه برادرش فقه خوانده است. برادرش، محمد غزالی که در نظامیه بغداد مسند استادی داشت، به علت گرایش به تصوف بغداد و نظامیه را ترک می‌کند و تدریس در نظامیه را به او می‌سپارد؛ اما او نیز همچون برادر مسند تدریس را رها کرد و به تصوف روی آورد. احمد غزالی در تصوف خویش در مسیر عشق گام گذاشته و تا آخر عمر بدین شیوه پایبند بود. از احمد غزالی آثاری به فارسی و

عربی باقی مانده است که *سوانح العشاق* از مشهورترین آثار اوست.^۱ نگاهی اجمالی به آیات الهی، روایات و احادیث در آثار احمد غزالی، حکایت از آن دارد که این نویسنده تا حد زیادی از منبع عظیم معارف نبوی و علوی بهره برده است. نگارنده در مقاله حاضر سعی دارد به شیوه نقلی-استنادی، گونه‌های اثرپذیری آثار فارسی احمد غزالی از کلام و تعالیم امام علی(ع) را بررسی و تبیین نماید.

۱-۱- ضرورت تحقیق:

متون عرفانی ادب فارسی به عنوان یکی از منابع مهم عرفان اسلامی و مزین بودن این متون به معارف اهل بیت(ع)، از جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ و تمدن اسلامی برخوردار است. نقد، بررسی و تبیین جایگاه معارف اهل بیت(ع) و در نتیجه پیوند اندیشه‌های اصیل عرفانی در این متون با سیره و کلام معصومین(ع)، از ضروریاتی است که اهمیت این تحقیق را بیشتر نشان می‌دهد. نتایج تحقیق می‌تواند ضمن نشان دادن ارادت غزالی به اهل بیت(ع)، سیره و مکتب اهل بیت(ع) را به عنوان یکی از آبشخورهای عرفان اصیل اسلامی معرفی نماید.

۱-۲- پیشینه تحقیق:

خوشبختانه در سال‌های اخیر در زمینه اثرپذیری متون ادب فارسی از معارف و تعالیم اسلامی کارهای ارزشمندی انجام شده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی»، نوشته سیدمحمد راستگو اشاره کرد. همچنین دکتر محمود عابدی در «گوهرهای پراکنده»، حضور سخنان امام علی(ع) را در متون نثر فارسی بررسی کرده است. از دیگر آثار قابل ذکر در این زمینه می‌توان به کتاب «سیمای امام علی(ع) در متون نثر عرفانی» نوشته دکتر مجتبی دماوندی و سمیه تاجیک اشاره کرد که مشتمل بر نقل و قول‌هایی مختصر از حدود ۳۰ کتاب مهم و معتبر اسلامی است.

۲- شیوه‌ها و شگردهای به کارگیری کلام امام علی(ع) در آثار فارسی احمد غزالی

بهره‌گیری ادب عرفانی از قرآن و حدیث، به آشکال و شیوه‌های گوناگون از جمله اثرپذیری واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی، تلمیحی، تأویلی، تطبیقی و... است که هرکدام از این شیوه‌ها نیز به طرق مختلف انجام می‌شود.^۲

بررسی آثار فارسی احمد غزالی نشان می‌دهد که اثرپذیری احمد غزالی از کلام امام علی(ع)

^۱- رک زرین کوب، ۱۳۸۶: ۱۱۰-۱۰۳ و نیز رک دهباشی و میرباقری فرد، ۱۳۸۶: ۱۵۹-۱۴۹

^۲- رک تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، سید محمد راستگو: ص ۸۹-۱۵.

اثربپذیری آثار فارسی احمد غزالی از کلام امام علی(ع) / ۱۷

بیشتر به صورت گزاره‌ای - اقتباس و حل - و در موارد اندکی به شیوه گزارشی - ترجمه و تفسیر - است. در این پژوهش، با ذکر نمونه‌های متناسب، به بحث پیرامون شیوه‌های بارز اثربپذیری غزالی (اقتباس، حل، ترجمه و تفسیر) از کلام امام(ع) می‌پردازیم.

۲-۱- اثربپذیری گزاره‌ای: به دو شیوه اقتباس و حل انجام می‌پذیرد:

۲-۱-۱- اقتباس

بارزترین جلوه اثربپذیری متون عرفانی از قرآن و حدیث، اثربپذیری به شیوه اقتباس یا تضمین است. منظور از این اثربپذیری آن است که نویسنده آیه یا حدیثی را عیناً و بی‌هیچ تغییری یا با اندک تغییری در کلام یا نوشته خود بیاورد. «این گونه بهره‌گیری با قصد و غرض‌های گوناگونی از جمله تبرک و تینن، تبیین و توضیح، تشبیه و تمثیل، استشهاد و استناد و... انجام می‌پذیرد.» (راستگو، ۱۳۹۱: ۳۰)

نمونه‌های اقتباس غزالی از کلام امام علی(ع):

- هر درونی که از خطر کار خبری ندارد، بیم بود که آن نه درون آدمی است که «الحزم سوء الظن». (غزالی، ۱۳۷۶: ۲۶۰)

عبارت «الحزم سوء الظن» در تحف العقول و بحارالانوار، ضمن وصیت امام علی(ع) به فرزندش امام حسن(ع) با قید: «قد یقال» آمده است: «و لا یغلبن علیک سوء الظن فإنه لا یدع بینک و بین خلیل صلحا و قد یقال من الحزم سوء الظن.» (حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۷۹ و مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ج ۷۴: ۲۲۷)

- (این کلمات را به سمع دل شنو و بر لوح جان نویس و مرا در آن واسطه مخلص و منهی صادق دان. ... «لقاء أهل الخیر عماره القلوب» و «کلامهم تحفه الغیوب و نصحهم...») (غزالی، ۱۳۷۶: ۲۱۳)

«لقاء أهل الخیر عماره القلوب» کلام علی بن ابی طالب است: «وَلِقَاءُ أَهْلِ الْخَيْرِ عِمَارَةُ الْقُلُوبِ سَاهِلِ الدَّهْرِ مَا ذَلَّ لَكَ قَعُودُهُ.» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۴: ۲۱۰؛ همان: ۲۳۰ و حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۷۹) - «متابعت هوا مردی است و مغوی، «أفرأیت من اتخذ إلهه هواه»، و مباشرت محظورات و

ارتکاب مناهی از این خیزد: «من أطلال الأمل أساء العمل.» (غزالی، ۱۳۷۶: ۲۱۰)

عبارت «مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ أَسَاءَ الْعَمَلَ» در مآخذ زیر کلام امام علی(ع) ذکر شده است: «مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ أَسَاءَ الْعَمَلَ.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج: ۷۰: ۱۶۶؛ همان، ج: ۷۵: ۱۳۹؛ نهج البلاغه، بی تا: ۴۷۵)

- «گفتند: ما را آرزوی دیدار ایشان است، به کدام طریق بدیشان رسیم؟ گفتند: شما هنوز دربند

بشریت و قید اجل و هراسان از کارید [پیش از آن که مرگ آید] ایشان را نتوان دید. چون از این خدمت فارغ شوید و از آشیانه قالب بپرید، آنگه یک دیگر را ببینید و به زیارت یک دیگر شوید که: «الناس نیام فإذا ماتوا انتبهوا». اما تا مادام که شما در قفس قالب باشید و رسن تکالیف بر پای شما، بدیشان نرسید.» (غزالی، ۱۳۷۶: ۷۷)

علامه مجلسی در بحارالانوار ضمن توصیف و معرفی امام به عنوان غایت عرفان، حدیث مذکور را از امام (ع) نقل می‌کند: «فِي حَدِيثِ عَلِيٍّ (ع) خَيْرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ النَّمَطُ الْأَوْسَطُ، النَّمَطُ الطَّرِيقَةُ مِنَ الطَّرَائِقِ وَالضَّرُوبِ... لِأَنَّهُ (ع) فِي مَقَامِ غَايَةِ الْعُرْفَانِ كَانَتْ... كَمَا قَالَ (ع) النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۴۳)

- «أَكْثَرُوا ذَكَرَ هَادِمِ اللَّذَاتِ» فرمان است و «كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعْظَا.»، درمان. (غزالی، ۱۳۷۶: ۱۹۳) عبارات فوق در کلام امام علی (ع) در نامه به اهل مصر آمده است:

كَتَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) إِلَى أَهْلِ مِصْرَ عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ الْمَوْتَ لَيْسَ مِنْهُ فَوْتُ فَاحْذَرُوا قَبْلَ وَتُوعِهِ ... فَأَكْثَرُوا ذَكَرَ الْمَوْتَ عِنْدَ مَا تُنَازِعُكُمْ إِلَيْهِ أَنْفُسُكُمْ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَكَفَى بِالْمَوْتِ وَاعْظَا وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص كَثِيرًا مَا يُوصِي أَصْحَابَهُ بِذِكْرِ الْمَوْتِ فَيَقُولُ أَكْثَرُوا ذَكَرَ الْمَوْتَ فَإِنَّهُ هَادِمٌ اللَّذَاتِ حَائِلٌ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الشَّهَوَاتِ... (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۶۸: ۲۶۴) و نیز (رک عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵: ۳۰۴؛ همان، ج ۲: ۴۳۷؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۷۵)

- «حجاج بر سر منبر می‌گفت: «ان شمسکم هذه شمس فرعون و قارون، طلعت علی قصورهما، ثم طلعت علی قبورهما.» شعر:

رأيت الدهر مختلفا يدور فـلا حـزن يـدوم و لا سرور
و شيدت الملوک بها قصورا فـما بقى الملوک و لا القصور»
(غزالی، ۱۳۷۶: ۱۹۵)

دو بیت فوق با اندکی تغییر در دیوان منسوب به علی بن ابی طالب (ع) دیده می‌شود:

رأيت الدهر مختلفا يدور فـلا حـزن يـدوم و لا سرور
و قد بنت الملوک به قصورا فـما بقى الملوک و لا القصور
(دیوان امام علی (ع)، ۱۳۶۹: ۱۹۶)

ترجمه ابیات: روزگار را دیدم که به اختلاف می‌گردد، پس، نه اندوه پاینده است و نه شادمانی و پادشاهان در این دنیا قصرهایی ساختند، پس نه پادشاهان باقی ماندند و نه قصرها.

اثرپذیری آثار فارسی احمد غزالی از کلام امام علی(ع) / ۱۹

- «و إليه يرجع الأمر كله.» «حاسبوا قبل أن تحاسبوا و زنوا قبل أن توزنوا». (غزالی، ۱۳۷۶: ۱۹۷) در مآخذ زیر از علی بن ابی طالب(ع) دانسته شده است:

«كما قال أمير المؤمنين علي بن أبي طالب(ع) حاسبوا أنفسكم قبل أن تحاسبوا و زنوها قبل أن توزنوا». (ابی فراس، ج ۱: ۲۹۸؛ دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۲۵۱؛ نهج البلاغه، بی تا: خطبه ۸۸)

- «هرگز دولت خلوتی نادیده و بتی ناشکسته و از گل به دل نارسیده، کمند طمع بر فتراک طلب بستن، جز خجالت بار نیاورد. «من ظن أنه بدون الجهد يصل فمتن، و من ظن أنه يبذل الجهد يصل فمتن». (غزالی، ۱۳۷۶: ۱۹۷)

روایت «من ظن أنه بدون...» در طبقات الصوفیه انصاری و کشف الاسرار میبیدی از ابوبکر کتانی نقل شده است. (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۹۶؛ انصاری، ۱۳۶۱: ۱۸۱) ولی امام محمد غزالی آن را از قول امام علی(ع) ذکر کرده است: «من ظن أنه بدون الجهد يصل إلى الجنة فهو متن و من ظن أنه يبذل الجهد يصل فهو متن». (غزالی، ۱۴۱۶: ۱۶۸؛ همان: ۲۵۸)

- «بیش از این تغافل کردن نه اثر سعادت باشد. علم بی عمل دیوانگی است و عمل بی علم بیگانگی. عافیت در تنهایی است و سلامت در خاموشی: «من علم أن كلامه من عمله، قل كلامه الا فيما يعنيه.» (غزالی، ۱۳۷۶: ۲۰۱)

عبارت «من علم أن كلامه من...» از سخنان علی بن ابی طالب(ع) است. (رک: نهج البلاغه، بی تا: ۱۷۵؛ حرانی، ۱۴۰۴ق: صص ۸۴ و ۹۴)

- «گل خود روی بی بوی باشد، و کشته، دو روی و بوی دارد. «كن في الدنيا ببدنك و في الآخرة بقلبك» (غزالی، ۱۳۷۶: ۲۱۳)

«كن في الدنيا ببدنك...» کلام امام علی(ع) است: (امام علی(ع)، ۱۳۶۶: ۱۴۵؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵۶۷)

- «باش تا محک عدل بیارند که خلق جمله در شب‌اند، صبح آن مرگ است. اسفار به قیامت، اشراق به بهشت. «لو كشف الغطاء ما ازددت يقينا»، دعوی ساکنان روز است.» (غزالی، ۱۳۷۶: ۱۹۳)

رَوَى حُبَيْشُ الْكِنَانِيُّ أَنَّهُ سَمِعَ عَلِيًّا(ع) يَقُولُ وَاللَّهِ لَقَدْ عَلَّمْتُ بِنَبِيِّهِ الرِّسَالَاتِ وَ تَصْدِيقِ الْعِدَاتِ وَ تَمَامِ الْكَلِمَاتِ وَ قَوْلُهُ لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا ازْدَدْتُ يَقِينًا» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۰: ۱۵۳؛ همان ج ۴۶: ۱۳۵؛ همان ج ۶۶: ۲۰۹؛ دیلمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۱۲؛ همان، ج ۲: ۲۱۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۷: ۲۵۳؛ همان ج ۱۰: ۱۴۲)

در تضمین و اقتباس گاه سخنور برای نگه داشت وزن و قافیه ناگزیر است بی آنکه ساختار اصلی آیه و حدیث را بر هم زند، اندکی در آن‌ها دست برد؛ این دستکاری تا مرز از هم پاشیدگی ساخت و بافت آیه و حدیث در زبان ادب حلّ خوانده می‌شود که بیشتر از همه در سروده‌های مولانا دیده می‌شود. (رک راستگو، ۱۳۹۱: ۳۴) تعریف ذکر شده در باب سخن منظوم است ولی می‌توان آن را در متون نثر نیز صادق دانست: «می‌توان گفت که هر شعر یا نوشته‌ای که در آن از تمام آیه و حدیث یا بخشی از آن دو استفاده شده باشد، در حقیقت در آن شعر و نوشته یکی از دو صنعت تضمین و حلّ به کار رفته است.» (حلبی، ۱۳۸۹: ۶۲)

نمونه‌های اثرپذیری به شیوه حلّ:

- «اما چون کار به کمال رسد و آن صورت در درون پرده دل شود... پس یافت هست اما از یافت خبر نیست، که همه عین کار است و لعل که: «العجز عن درک الادراک ادراک»، اشارت به چیزی است از این جنس. (غزالی، ۱۳۷۶: ۱۳۸)

عبارت «العجز عن درک الادراک ادراک»، ضمن بی‌تی در دیوان منسوب به علی بن ابی طالب (ع)، چنین آمده:

العجز عن درک الادراک إدراک و البحث عن سر ذات السر إشراک
و فی سرائر همات السوری همم عن ذی النهی عجزت جن و أملاک
(إمام علی (ع)، ۱۳۶۹: ۳۰۱)

بیت اول با تغییراتی در مصراع دوم در باب «اثبات العلم» از کشف المحجوب ذکر شده است. (رک هجویری، ۱۳۸۴: ۲۸)

- صدیق اکبر، فاروق را می‌گفت در وصیت: «ان الحق ثقیل و هو مع ثقله مرىء و ان الباطل خفیف و هو مع خفته و بیء و ان الله تعالی حقا باللیل لا یقبله بالنهار و...» (غزالی، ۱۳۷۶: ۱۹۶)

قسمتی از این کلام، یعنی: «الحق ثقیل مرىء، و الباطل خفیف و بیء»، در گفتار امام علی (ع) آمده است: «قَالَ عَلِيٌّ (ع) لَا يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاسْتِصْلَاحِ دُنْيَاهُمْ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضْرُّ مِنْهُ وَقَالَ (ع) مَنْ أَبْدَى صَفْحَتَهُ لِلْحَقِّ هَلَكَ وَقَالَ ع إِنَّ الْحَقَّ ثَقِيلٌ مَرِيءٌ وَإِنَّ الْبَاطِلَ خَفِيفٌ وَبِئْسَ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۷: ۱۰۷؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۰۴) و نیز «و من کلام امیر المؤمنین (ع) لعثمان أن الحق ثقیل مرىء و أن الباطل خفیف و بیء و أنت رجل إن صدقت سنخت و إن کذبت رضیت.» (نهج البلاغه، بی تا: ۵۶۴)

اثربپذیری آثار فارسی احمد غزالی از کلام امام علی(ع) / ۲۱

- «أمرتم بالزاد و نودی فیکم بالرحیل و حبس أولکم لآخرکم و أنتم تلعبون». ارباب صدق از تهدید: (لیسئل الصادقین عن صدقهم) ترسان...» (غزالی، ۱۳۷۶: ۱۹۴)

قسمت‌هایی از این کلام در نهج البلاغه از مولا علی(ع) نقل شده است: «لَيْسَتْ بِدَارِكُمْ وَ قَدْ أُودِئْتُمْ مِنْهَا بِالرَّيْحَالِ وَ أَمَرْتُمْ فِيهَا بِالزَّادِ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ لِهَذَا الْجِلْدِ الرَّقِيقِ صَبْرٌ عَلَى النَّارِ.» (نهج البلاغه، بی تا: ۲۶۷)

- «ان الله - تعالی - فی الأرض أوانی لیست بذهب و لا فضة، انما هی القلوب، فأحبها الی الله - تعالی - ما رق و صفا و صلب أی: أصلها فی الدین و أصفها فی الیقین و أرقها علی المسلمین.» (غزالی، ۱۳۷۶: ۱۸۹)

این کلام با اندک تغییراتی در ساختار از امام(ع) نقل شده است:

«عن علی بن ابی طالب(ع) قال قال رسول الله إن الله تعالی أنیه [أبنیه] فی الأرض فأحبها الی الله تعالی ما صفا منها و رق و صفت [و صلب] و هی القلوب فأما ما رق منها فرقه علی الإخوان و أما ما صفت منها فقول الرجل فی الحق لا یخافون فی الله لومه لانم و أما ما صفا منها صفت من الذنوب.» (کوفی، بی تا: ۱۹۶) و نیز «و عن أمير المؤمنين(ع) أنه قال لا یقبل الله من الأعمال إلا ما صفا و صلب و رق فأما صفاءها فله و أما صلابتها فللدین و أما رقتها فللإخوان.» (دیلمی، ۱۴۰۸: ۱۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۷: ۶۰)

۲-۲- اثربپذیری گزارشی

در اثربپذیری گزارشی، نویسنده مضمون آیه یا حدیث را به دو شیوه ترجمه یا تفسیر به پارسی گزارش می‌کند.

۲-۲-۱- ترجمه

«در ترجمه، مطلبی را از زبانی به زبان دیگر بر می‌گردانند و دو گونه است: یکی ترجمه بسته «پایخوان»، یعنی ترجمه تحت اللفظ که آن را حرف به حرف و کلمه به کلمه حتی با صورت جمله‌بندی بی‌کم و زیاد، از زبان دیگر نقل کرده باشند.» (همایی، ۱۳۷۸: ۳۷۳) و قسم دیگر ترجمه آزاد و باز، بدین معنی که «روح مقصود و حاصل مراد گوینده و نویسنده‌ای را بگیرند و آن را در قالب زبانی دیگر بریزند.» (همان: ۳۷۳) بنابراین در ترجمه تحت اللفظی گرداننده پارسی در قالب و محتوا با اصل سخن مطابقت دارد؛ اما در ترجمه باز و آزاد، تغییراتی در ساختار و معنی ایجاد می‌شود.

نمونه اثرپذیری به شیوه ترجمه:

- «آبادانی عالم به چهار کس است: عالمی که به علم کار کند و جاهلی که از آموختن ننگ ندارد و توانگری که حق مال به شرع گذارد و درویشی که آخرت به دنیا نفروشد». (غزالی، ۱۳۷۶: ۲۱۴)

عبارات مذکور کلام علی بن ابی طالب است که عیناً در نهج البلاغه آمده است:

قَالَ عَلِيٌّ (ع) لِحَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ يَا حَابِرُ قِوَامُ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ عَالِمٌ مُسْتَعْمِلٌ عِلْمَهُ وَ جَاهِلٌ لَا يَسْتَنْكِفُ أَنْ يَتَعَلَّمَ وَ جَوَادٍ لَا يَبْخُلُ بِمَعْرُوفِهِ وَ فَقِيرٌ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ فَإِذَا ضَيَّعَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ اسْتَنْكَفَ الْجَاهِلُ أَنْ يَتَعَلَّمَ وَ إِذَا بَخِلَ الْغَنِيُّ بِمَعْرُوفِهِ بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ يَا حَابِرُ مَنْ كَثُرَتْ نِعَمُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ فَمَنْ قَامَ لِلَّهِ فِيهَا بِمَا يَجِبُ فِيهَا عَرَضَهَا لِلدَّوَامِ وَ الْبَقَاءِ وَ مَنْ لَمْ يَقُمْ فِيهَا بِمَا يَجِبُ عَرَضَهَا لِلزَّوَالِ وَ الْفَنَاءِ. (نهج البلاغه، بی تا: ۵۴۱)

۲-۲-۲- تفسیر:

در تفسیر یا تاویل، نویسنده یا گوینده به ترجمه آیه یا حدیث بسنده نمی کند بلکه سعی می کند با ذوق ورزی و موشکافی، از لایه های بیرونی سخن بگذرد و به دریافت های درونی و کامل تری دست پیدا کند.

نمونه های تفسیر یا تاویل:

یکی از مسائل دینی که مورد بحث علمای اسلام و دانشمندان علم کلام قرار گرفته مسئله رؤیت خداوند است که هر یک از فرق اسلام در این باب رأیی دارند. احمد غزالی قائل به وجوب رؤیت در دار آخرت می باشد و می گوید:

- «باز اجابت حق مر او را آن است که بدو ندا آید که: این مقامات مر تو را است و اظهار مشاهده من مر تو را است، و وصال من مر تو را است و کرامت و لطافت و عنایت من مر تو را است. آرام تو با من است نه جز با من. بخواه آنچه تو را از من می باید که ورای مشاهده من نعمتی نیست مر تو را. و رؤیت من به دار بقا تا چنان که از این سرایت بستانم به حکم مشاهده، از آن سرایت بستانم به حکم رؤیت خود که: «منم حی قیوم» و «منم رحیم و کریم» و «منم حکیم و علیم». عزیزم به خود، تو را بدین عز عزیز کردم.» (غزالی، ۱۳۷۶: ۴۷)

این عقیده و سخن غزالی تاویل و تفسیری از سخنان علی بن ابی طالب در دعای صباح منسوب به اوست:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ وَ سَرَحَ قَطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغَيَاهِبِ تَلْجُلُجِهِ وَ اتَّقَنَ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ تَبَرُّجِهِ وَ شَعَشَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بُنُورِ تَأْجُّجِهِ يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ وَ

اثرپذیری آثار فارسی احمد غزالی از کلام امام علی(ع) / ۲۳

تَنْزَهُ عَنْ مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ وَ جَلَّ عَنْ مُلَائِمَةِ كَيْفِيَّاتِهِ يَا مَنْ قَرُبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ وَ بَعُدَ عَنْ مُلَاَحَظَةِ الْعُيُونِ. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۱: ۲۴۳)

- «علم بی عمل دیوانگی است و عمل بی علم بیگانگی. عافیت در تنهایی است، و سلامت در خاموشی: «من علم أن کلامه من عمله، قل کلامه الا فیما یعنیه.» و: «انما تملی علی کاتبیک یکتبان الی ربک، فانظر ما ذا یکتبان.» (غزالی، ۱۳۷۶: ۲۰۱)

«انما تملی علی کاتبیک یکتبان الی ربک، فانظر ما ذا یکتبان» کلام علی بن ابی طالب(ع) است و به روایت شیخ صدوق در امالی، به گونه‌ای دیگر آمده است: حدیث کرد که امیر المؤمنین علی بن ابی طالب به مردی گذشت که سخن بیهوده می‌گفت. فرمود ای فلانی: به راستی تو نامه‌ای به وسیله دو فرشته حافظ خود املاء می‌کنی به سوی پروردگارت، سخن کن بدانچه فایده‌ات دارد و دم فروبند از سخن بی‌فایده.» (غزالی، ۱۳۷۶، تعلیقات: ۳۷۷)

۳- کلام آخر

استفاده وسیع و گونه‌گون صوفیان و عارفان از آیات و احادیث، بیش از هر چیز این نکته را تأیید و اثبات می‌کند که آنان ساختار اصلی و مبنایی خویش را از سرچشمه‌ها و آبشخورهای جوشان فرهنگ قرآنی و حدیثی اخذ و اقتباس کرده‌اند. اندیشه و کلام امام علی(ع) به خاطر فصاحت و بلاغت بی نظیر آن، از دیرباز مورد توجه و ستایش اهل معرفت و سخن‌شناسان قرار گرفته و در بسیاری از متون عرفانی و از جمله آثار فارسی احمد غزالی محور و مدار مضمون‌پروری‌های عارفانه واقع شده است. اثرپذیری احمد غزالی از کلام امام علی(ع) بیشتر به صورت گزاره‌ای و به روش اقتباس بوده است که این امر را می‌توان به خاطر غنای فکری و معنوی کلام امام از یک طرف و نیز نگاه جمال‌شناسانه غزالی در بهره‌گیری از بلاغت و فصاحت کلام امام(ع) دانست.

منابع و مأخذ:

- ۱- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، (۱۳۶۶ هـ.ش)، غرر الحکم و درر الکلم، یک جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۴۸۴ صفحه.
- ۲- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، (۱۴۰۴ هـ.ق)، شرح نهج البلاغه، ۲۰ جلد در ۱۰ مجلد، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۲۰ جلد.
- ۳- اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ هـ.ق) کشف الغمه، ۲ جلد، چاپ مکتبه بنی هاشمی، تبریز.
- ۴- امام علی بن ابی طالب علیه السلام، (۱۳۶۹ هـ.ش)، دیوان امام علی(ع)، یک جلد. انتشارات پیام اسلام، قم، ۵۰۹ صفحه.
- ۵- امام علی بن ابی طالب علیه السلام، (بی تا). نهج البلاغه، ۱ جلد. انتشارات دار الهجره، قم، ۵۵۹ صفحه.
- ۶- امین عاملی، سیدمحسن، (۱۳۷۶ هـ.ش)، سیره معصومان، ترجمه علی حجتی کرمانی، ۶ جلد، انتشارات سروش، تهران،
- ۷- انصاری، خواجه عبد الله، (۱۳۶۲ هـ.ش)، طبقات الصوفیه، ۱ جلد، چاپ اول، انتشارات توس، تهران، ۹۸۶ صفحه.
- ۸- حرانی، حسن بن شعبه، (۱۴۰۴ هـ.ق)، تحف العقول، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۵۱۵ صفحه.
- ۹- حلبی، علی اصغر، (۱۳۸۹ هـ.ش)، تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، چاپ هفتم، انتشارات اساطیر، تهران، ۳۲۸ صفحه.
- ۱۰- جاحظ، عمرو بن بحر، (۲۰۰۲)، البیان والتبیین، مقدمه و شرح علی بوملحم، دار و مکتبه الهلال، بیروت.
- ۱۱- دهباشی، مهدی و سیدعلی اصغر میرباقری فرد، (۱۳۸۶ هـ.ش)، تاریخ تصوف، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران، ۳۰۶ صفحه.
- ۱۲- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، (۱۴۱۲)، إرشاد القلوب، دو جلد در یک مجلد، انتشارات شریف رضی.
- ۱۳- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، (۱۴۰۸ هـ.ق)، أعلام الدین، یک جلد، مؤسسه آل البيت(ع)، قم.
- ۱۴- راستگو، سیدمحمد، (۱۳۹۱ هـ.ش)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، چاپ نهم، سمت، تهران، ۲۸۵ صفحه.

- ۱۵- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۶هـ.ش)، جست و جو در تصوف ایران، چاپ هشتم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۴۴۶ صفحه.
- ۱۶- شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، (۱۳۶۲هـ.ش)، الأمالی، یک جلد، انتشارات کتابخانه اسلامی، قم، ۶۸۰ صفحه.
- ۱۷- شیخ طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴هـ.ق)، الأمالی، یک جلد، انتشارات دارالثقافه، قم، ۷۳۷ صفحه.
- ۱۸- شیخ مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳هـ.ق)، الأمالی، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۳۵۵ صفحه.
- ۱۹- عاملی، شیخ محمد بن حسن، (۱۴۰۹هـ.ق)، وسائل الشیعه، ۲۹ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم.
- ۲۰- غزالی، احمد، (۱۳۷۶هـ.ش)، مجموعه آثار فارسی، ۱ جلد. چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۵۲۲ صفحه.
- ۲۱- غزالی، ابو حامد محمد، (۱۴۱۶هـ.ق)، مجموعه رسائل، ۱ جلد. چاپ اول، دارالفکر، بیروت.
- ۲۲- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵هـ.ش)، الکافی، ۸ جلد. دارالکتب الإسلامیه، تهران.
- ۲۳- کوفی، محمد بن اشعث، الجعفریات (الأشعثیات)، یک جلد، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران، ۲۵۱ صفحه.
- ۲۴- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴هـ.ق)، بحار الأنوار، ۱۱۰ جلد، مؤسسه الوفاء، بیروت.
- ۲۵- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷هـ.ش)، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، قم.
- ۲۶- میدی، ابو الفضل رشید الدین، (۱۳۷۱)، کشف الأسرار و عدّه الأبرار، ۱۰ جلد. چاپ پنجم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ۲۷- ورام، شیخ ابوالحسن بن ابی فراس، مجموعه ورام، ۲ جلد در یک مجلد، انتشارات مکتبه الفقیه، قم.
- ۲۸- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان، (۱۳۸۴هـ.ش)، کشف المحجوب، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، چاپ دوم، انتشارات سروش، تهران.
- ۲۹- همایی، جلال الدین، (۱۳۷۸هـ.ش)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ شانزدهم، موسسه نشر هما، قم، ۴۲۴ صفحه.